

## دیپلماسی تجاری پویاتر، رشد اقتصادی پایدارتر

محسن شریعتی نیا، کارشناس اقتصادی

### موج

هدفگذاری و اجرای دیپلماسی تجاری کشورها را می توان یکی از متغیرهای کلیدی و تاثیرگذار بر تولید ملی و به طور کلی بر اقتصاد دانست، زیرا دقت در تجربه کشورهای موفق، در حال توسعه و نیز توسعه یافته نشان می دهد که رابطه مستقیم و تنگاتنگی میان تجارت، رشد اقتصادی و رقابت پذیری اقتصاد یک کشور وجود دارد. به بیان دیگر هرچه حوزه تجارت یک کشور پویاتر باشد، رشد اقتصادی پایدار و رقابت پذیری اقتصاد آن امکان پذیرتر است.

اما دقت در سیاستگذاری های کلان اقتصادی در ایران نشان می دهد که دیپلماسی تجاری و اهمیت آن به طور عموم نادیده گرفته می شود و در نهایت فعالیت در این حوزه به برگزاری کمیسیون های مشترک و رایزنی برای انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد با چند کشور محدود و کم اهمیت در تجارت بین الملل منحصر شده و جنبه های کلیدی دیپلماسی تجاری و در راس آن الحاق به سازمان جهانی تجارت به نوعی به فراموشی سپرده شده اند، شاید از آن رو که به غلط الحاق به این نهاد در ایران همواره به عنوان تهدیدی برای رشد تولید داخلی تعریف شده است. البته عوامل بین المللی نیز در کندی روند الحاق ایران تاثیرگذار بوده اند. اما آنچه روشن است آن است که در بسیاری از نهادهای سیاستگذار در اقتصاد و تجارت ایران، نگرش به این نهاد و عضویت در آن منفی است.

اما منطق و تجربه توسعه حکایت دیگری دارد. با دقت در تاریخ توسعه می توان دریافت که الحاق به سازمان جهانی تجارت یکی از عوامل کلیدی رشد و شکوفایی اقتصادی کشورها و افزایش توانمندی صنایع داخلی آنان بوده است. الحاق به این سازمان دو مزیت عمده دارد، مزیت هایی که بدون برخورداری از آنها، پیشبرد توسعه پایدار و مطابق با استانداردهای جهانی تقریباً ناممکن به نظر می رسد. مزیت نخست آن این است که در سطح کلان، عضویت در سازمان جهانی تجارت، اعتبار سیاست گذاری های اقتصادی یک کشور در نزد سرمایه گذاران بین المللی را افزایش می دهد و پیام

آشکاری است مبنی بر اینکه چنین کشوری به سیاست های باز اقتصادی متعهد خواهد ماند. در واقع کشوری که به عضویت سازمان جهانی تجارت در می آید، قواعد تعامل در اقتصاد جهانی را به اجرا می گذارد و از این رو زمینه را برای فعالیت شفاف، پایدار و قاعده مند اقتصادی فراهم می آورد. طبیعی است که سرمایه و فناوری بین المللی به سوی اقتصاد چنین کشوری جذب می شود. از دیگر مزیت های الحاق به سازمان جهانی تجارت محیط تجاری شفاف و پیش بینی پذیری برای فعالان اقتصادی می توان اشاره کرد که این امر زمینه را برای سرمایه گذاری و برنامه ریزی درازمدت آنان ایجاد می کند.

بی تردید در دو سطح یاد شده اقتصاد ایران دچار ضعف است زیرا از یکسو اعتماد بین المللی به اقتصاد این کشور و سیاست گذاری های کلان آن اندک است و مناقشات بین المللی نیز به آن دامن می زند و از سوی دیگر ناگفته پیداست که در سطح خرد، محیط تجاری ایران غیرشفاف و تا حد زیادی پیش بینی ناپذیر است. شاید از این روست که مهمترین هنر فعالان اقتصادی در این کشور " ماهی گرفتن از آب گل آلود " است. به بیان دیگر، عده ای پیش بینی ناپذیری، قاعده ناپذیری و آشفتگی های متناوب را از ویژگی های اساسی اقتصاد سیاسی ایران می دانند. طبیعتا در چنین فضایی رشد پایدار تولید ملی چندان امکان پذیر نیست.

بنابراین یکی از راهکارهای اساسی اما مغفول برای شکوفایی اقتصادی و صنعتی ایران را می توان تسریع در روند الحاق به سازمان جهانی تجارت دانست. در وضعیت کنونی، ۹۷ درصد تجارت جهانی در قالب این نهاد صورت می گیرد و اندک کشورهایی که به عضویت آن در نیامده اند، به گونه ای روزافزون به حاشیه اقتصاد و تجارت جهانی رانده می شوند.